

«به نام حضرت دوست»

*** استعاره: هنگامی که از یک «تشبیه بلیغ» (تشبیهی که فقط «مشبه» و «مشبه به» از پایه های تشبیه باقی مانده باشند) یکی از طرفین تشبیه را حذف کنیم، «استعاره» به وجود می آید. در «تشبیه» ادعای همانندی بین دو چیز می کنیم، اما در «استعاره» ادعای یکسانی دو چیز را داریم.**

*** اگر از تشبیه بلیغ، «مشبه به» حذف شود و «مشبه» باقی بماند؛ «استعاره مکنیه» به وجود می آید.**

*** اگر از تشبیه بلیغ، «مشبه» حذف شود و «مشبه به» باقی بماند؛ «استعاره مصرحه» به وجود می آید.**

مثال ۱: معشوق می درخشد. (می دانیم که معشوق نمی درخشد و این ماه است، که می درخشد. پس می گوییم؛ معشوق استعاره از ماه است. چون معشوق در اصل تشبیه «مشبه» بوده است، پس استعاره ما «مکنیه» است.)

مثال ۲: ماه امروز میهمان من است. (می دانیم که ماه هیچ گاه به میهمانی فردی نمی رود و این معشوق است، که به میهمانی عاشق می رود. پس می گوییم؛ ماه استعاره از معشوق است. چون ماه در اصل تشبیه «مشبه به» بوده است، پس استعاره ما «مصرحه» است.)

*** اصل تشبیه مثال های بالا چنین است: معشوق مانند ماه زیباست. (معشوق: مشبه - ماه: مشبه به - مانند: ادات تشبیه - زیبایی: وجه شبه)**

و تشبیه بلیغ مثال های بالا چنین خواهد بود: (اسنادی: معشوق ماه است.) ، (اضافی: ماه معشوق)

مثال ۳: چهره ی دخترک از مروارید خیس شده بود. (می دانیم که مروارید چهره را خیس نمی کند، بلکه این اشک است، که چهره را مرطوب می سازد. بنابراین منظور از مروارید باید اشک باشد. یعنی تشبیه اولیه چنین بوده است: قطره های اشک مانند مروارید شفاف و درخشانند.) ، (اشک: مشبه - مروارید: مشبه به - مانند: ادات تشبیه - شفاف و درخشان: وجه شبه)

* چنان که می بینیم از تشبیه فقط «مشبه به» باقی مانده است و استعاره ما «مصرحه» خواهد بود.

مثال ۴: وقتی آسمان غرید، ابرها گریه کردند.

وقتی آسمان غرید، (می دانیم که آسمان نمی غرد و این شیر یا حیوان درنده ی دیگری چون اوست، که می غرد. بنابراین باید منظور از آسمان، شیر باشد. یعنی تشبیه اولیه چنین بوده است: آسمان مانند شیر می غرد.) ، (آسمان: مشبه - شیر: مشبه به - مانند: ادات تشبیه - غریدن: وجه شبه)

* چنان که می بینیم از تشبیه فقط «مشبه» باقی مانده است و استعاره ما «مکنیه» خواهد بود.

ادامه ی مثال ۴: ابرها گریه کردند. (می دانیم که ابرگریه نمی کند و این انسان است، که می گرید. بنابراین باید منظور از ابر، انسان باشد. یعنی تشبیه اولیه چنین بوده است: ابر چون انسان گریه می کند.) ، (ابر: مشبه - انسان: مشبه به - چون: ادات تشبیه - گریه کردن: وجه شبه)

* چنان که می بینیم از تشبیه فقط «مشبه» باقی مانده است و استعاره ما «مکنیه» خواهد بود.

نکته: اگر در استعاره مکنیه، «مشبه به» انسان باشد؛ به آن تشخیص گفته می شود. در بخش قبلی چون «ابر» را به «انسان» تشبیه کرده ایم و به «ابر» شخصیت انسانی داده ایم؛ بنابراین «ابرها گریه کردند.» تشخیص است.